

لاودیکه - شماره دو

شیپور پروتستانی

Jeff Pippenger

2023-08-27

برای فهم پیامی که در کتاب مکاشفه در حال گشوده شدن است، شناخت ریشه‌ها، روند شکل‌گیری و اهمیت اصلاحات پروتستانی ضروری است. سه خط اصلی در تاریخ آن اصلاحات به این امور می‌پردازند: کتاب مقدس، روش‌شناسی درست برای مطالعه کتاب مقدس، و این حقیقت که پیام‌رسانان برگزیده در طول آن تاریخ نشانه‌های راه آن تاریخ‌اند. همان‌گونه که همواره چنین است، شیطان کوشید کتاب مقدس در ترجمه کینگ جیمز را با چندین بدل پنهان کند، و در پی آن بود که روش درست فهم کتاب مقدس را نیز با چندین بدل پنهان سازد، و همچنین تلاش کرد پیام‌رسانان درست (نشانه‌های راه) را که در مسیر آن تاریخ برانگیخته می‌شدند، پنهان سازد.

اما شیطان بیکار ننشست. او اکنون همان کاری را کوشید که در هر جنبش اصلاحی دیگری کوشیده است: اینکه با جا زدن بدلی به جای کار حقیقی، مردم را بفریبد و نابود کند. همان‌گونه که در قرن نخست کلیسای مسیحی مسیح‌های کاذب وجود داشتند، در قرن شانزدهم نیز پیامبران کاذب پدید آمدند. مناقشه بزرگ، ص ۱۸۶.

در تاریخ میلرایتی از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴، ردای پروتستانتیسم—که یکی از دو شاخ «وحش زمین»، یعنی همان ایالات متحده، به‌شمار می‌رود—به ادونتیسیم میلرایتی رسید و آن جنبش به شاخ پروتستان بدل شد. هم‌زمان، کلیساهایی که پیش‌تر ادعای پروتستان بودن داشتند، به پروتستانتیسم مرتد تبدیل شدند؛ یا به تعبیر میلرایتی‌ها، «دختران روم». وقتی پروتستان‌ها در سال ۱۸۴۳ پیام فرشته نخست را رد کردند، سقوط کردند و میلرایتی‌ها ردای پروتستانتیسم را بر دوش کشیده، راه را ادامه دادند. تاریخ میلرایتی نقطه اوج کار خدا در رساندن «کلیسای در بیابان» او به فهم کامل کلام خدا بود.

گشایش دآوری تفتیشی آزمون شریعت خدا، و به‌ویژه سبت، را به همراه آورد. اعلام پیام فرشته سوم مستلزم کلیسایی بود که به شریعت خدا پایبند باشد؛ شریعتی که در دوران قرون تاریک زیر سنت‌ها و رسوم پاپی مدفون شده بود. مسیح پروتستان‌ها را به سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ رساند و آزمون ایلیا را پیش‌روشان نهاد. آزمونی که ویلیام میلر نماد آن بود. و چون پروتستان‌ها پیام میلر را رد کردند، به روم بازگشتند. آزمون پیام فرشته نخست، آن‌گونه که میلر بیان کرد، نمادش ایلیا در کوه کرمل بود.

و ایلیا نزد همه مردم آمد و گفت: تا کی میان دو عقیده دودل می‌مانید؟ اگر خداوند خداست، از او پیروی کنید؛ و اگر بعل، از او پیروی کنید. و مردم هیچ پاسخی به او ندادند. اول پادشاهان ۱۸:۲۱

در سال ۱۸۴۰، هنگامی که پروتستان‌ها با پیام ایلیا، که میلر و فرشته اول آن را نمایندگی می‌کردند، روبه‌رو شدند، بعل را برگزیدند!

رفورماسیون پروتستانی گشوده‌شدن مهر حقایق کتاب مقدس بود که با «ستاره صبح» آغاز شد؛ همان که وعده داده شده بود در دوره‌ای که کلیسای تیاتیرا نمایانگر آن است، عطا گردد. حمله مستقیم علیه کتاب مقدس قرن‌ها پیش‌تر آغاز شد و این امر در «مناقشه بزرگ» به‌روشنی ارائه شده است، به‌ویژه در ارتباط با تاریخ والدنسیان. در سال ۱۹۳۰، بنجامین ویلکرسون کتاب «کتاب مقدس مجاز ما تیره‌شده» را منتشر کرد. این کتاب نبرد علیه متون اصلی مقدسی را مستند می‌کند که در نهایت برای ترجمه کتاب مقدس کینگ جیمز به کار رفتند، و همچنین متون جعلی شیطانی گوناگونی را که توسط کاتولیک‌ها، پروتستانی‌گری مرتد و ادونتیسیت‌های لائودیکه‌ای ترویج می‌شدند و هنوز

هم ترویج می‌شوند. این نبرد مدت‌ها پیش از تاریخ والدنسیان آغاز شده بود، اما آنان نشان راه و نماد کسانی هستند که جان خود را دادند تا به اهمیت نسخه‌های خطی درست شهادت دهند؛ نسخه‌هایی که سرانجام به کتاب مقدس کینگ جیمز ۱۶۱۱ ترجمه شدند.

تهیه نسخه کینگ جیمز از کتاب مقدس در سال ۱۶۱۱ از یک فرایند ترجمه‌ای بسیار مشخص گذشت. فرایند ترجمه و انتشار کتاب مقدس از طریق هفت مرحله تولید به انجام رسید. انجام آن همچنین هفت سال به طول انجامید، و هفت سال کتاب مقدسی برابر با ۲۵۲۰ روز است. این البته همان تعداد روز نبوتی است که در آن عیسی، در تحقق فصل نهم دانیال، عهد را با بسیاری تأیید کرد. در مرکز آن هفته مقدس، مسیح مصلوب شد، و البته مسیح مصلوب مرکز کتاب مقدس است. آن هفت مرحله برای پدیدآوردن کلام ناب خدا به شرح زیر بودند.

- نخست: ترجمه اولیه توسط افراد: حدود ۵۰ مترجم در شش کمیته تقسیم شدند؛ هر کمیته مسئول بخش‌های متفاوتی از کتاب مقدس بود. این افراد بر ترجمه از زبان‌های اصلی (عبری، آرامی و یونانی) به انگلیسی کار کردند.
 - دوم: بازبینی توسط کمیته: پس از آن که هر کمیته ترجمه بخشی را به پایان رساند، کار توسط خود اعضای کمیته بازبینی شد. این امر امکان مشارکت جمعی و اصلاح خطاها را فراهم کرد.
 - سوم: بازبینی کمیته عمومی: ترجمه‌های هر یک از کمیته‌ها سپس به گروه بزرگ‌تری از دانشوران که «کمیته عمومی» نامیده می‌شد ارائه شد. این کمیته از نمایندگان هر یک از شش کمیته ترجمه تشکیل شده بود. آنان کل اثر را بازبینی کردند و ترجمه‌های مختلف کمیته‌ها را با یکدیگر مقایسه و هماهنگ کردند.
 - چهارم: بازبینی و بازنگری اضافی: نسخه بازنگری شده کمیته عمومی برای بازبینی و بهبود بیشتر به کمیته‌های جداگانه بازگردانده شد. این فرایند تکرار شونده کمک کرد تا اطمینان حاصل شود که ترجمه سازگار و دقیق است.
 - پنجم: بررسی نهایی و تصویب: هنگامی که کمیته‌های جداگانه بازنگری‌های خود را به پایان رساندند، پیش‌نویس نهایی برای بررسی نهایی و تصویب به کمیته عمومی ارائه شد.
 - ششم: تأیید سلطنتی و انتشار: ترجمه تأیید شده سپس برای تأیید او به پادشاه جیمز یکم ارائه شد.
 - هفتم: به محض اینکه تأیید سلطنتی خود را داد، این ترجمه در سال ۱۶۱۱ با عنوان نسخه کینگ جیمز (نسخه مجاز) از کتاب مقدس منتشر شد.
- سخنان خداوند پاک هستند: مانند نقره‌ای که در کوره‌ای خاکی آزموده و هفت بار پالوده شده است. تو، ای خداوند، ایشان را نگه خواهی داشت؛ ایشان را از این نسل تا ابد محفوظ خواهی داشت. مزمور ۶: ۱۲، ۷.

در نبرد شیطان علیه کلام خدا، و علیه نشانه‌های راهی که به وسیله پیام‌آوران گوناگون آن تاریخ در حال آشکار شدن و نیز به وسیله روش‌شناسی درستی که برای تقسیم صحیح کلام او باید به کار رود، معرفی شده‌اند، ترجمه کینگ جیمز ۱۶۱۱ نشانه راهی است که به طور مشخص در مزمور دوازدهم شناسایی شده است. هیچ‌یک از نسخه‌های جعلی گوناگون کتاب مقدس که از طریق دست‌نوشته‌های تحریف شده کاتولیکی پدید آمده‌اند، معیارهای مزمور دوازدهم را برآورده نمی‌کند. فرایند تصفیه‌ای که در هفت مرحله صورت گرفت و دوره دوهزار و پانصد و بیست روزه نشان می‌دهند که ترجمه کینگ جیمز "کلمات پاک" خداست. خدا وعده می‌دهد که ترجمه کینگ جیمز را به عنوان کلام پاک خود تا ابد حفظ کند، و بنابراین وعده می‌دهد که روش‌شناسی "تاریخ‌گرایی" را که توسط مصلحان

پروتستان، از جمله ویلیام میلر، به کار گرفته شد، استوار بدارد.

در قرن چهاردهم، جان ویکلیف، که در کتاب «Controversy» Great Controversy به عنوان «ستاره صبح اصلاح دینی» شناخته می‌شود، وسیله‌ای در دست خدا شد تا کتاب مقدس را به زبانی ترجمه کند که حتی یک فرد عادی هم آن را بفهمد. او پیام‌آوری است که نشانه آغاز اصلاح دینی پروتستان را رقم زد.

جنبش بزرگی که ویکلیف آغاز کرد - که بنا بود وجدان و خرد را آزاد سازد و ملت‌هایی را که سال‌ها به ارباب پیروزی روم بسته شده بودند رها کند - سرچشمه‌اش در کتاب مقدس بود. این‌جا سرچشمه آن جویبار برکت بود که همچون آب حیات از سده چهاردهم به این‌سو در گذر روزگاران جاری بوده است. ویکلیف کتاب مقدس را با ایمانی بی‌چون‌وچرا به منزله مکاشفه الهام‌شده اراده خدا پذیرفت؛ معیاری بسنده برای ایمان و عمل. او چنان تربیت یافته بود که کلیسای روم را مرجعیتی الهی و خطاناپذیر بداند و با احترامی بی‌چون‌وچرا تعالیم و رسوم هزارساله مستقر را بپذیرد؛ اما از همه این‌ها روی برتافت تا به کلام مقدس خدا گوش فرا دهد. این همان مرجعیتی بود که او مردم را به پذیرش آن می‌خواند. او به جای کلیسایی که از زبان پاپ سخن می‌گفت، اعلام کرد که تنها مرجع حقیقی، صدای خداست که از طریق کلام او سخن می‌گوید. و او نه تنها تعالیم داد که کتاب مقدس مکاشفه‌ای کامل از اراده خداست، بلکه نیز اینکه روح‌القدس تنها مفسر آن است و هر انسان باید با مطالعه تعالیم آن، وظیفه خود را شخصاً فراگیرد. بدین‌سان اندیشه‌های مردم را از پاپ و کلیسای روم به سوی کلام خدا برگرداند.

ویکلیف یکی از بزرگ‌ترین اصلاح‌گران بود. از حیث وسعت خرد، روشنی اندیشه، استواری در حفظ حقیقت و جسارت در دفاع از آن، اندکی از آنان که پس از او آمدند با او برابری می‌کردند. پاک‌ی زندگی، پشتکار خستگی‌ناپذیر در مطالعه و کار، درستکاری فسادناپذیر، و محبت و وفاداری مسیح‌گونه در خدمتش، از ویژگی‌های نخستین اصلاح‌گر بود. و این با وجود تاریکی فکری و فساد اخلاقی روزگاری بود که او از آن برخاست.

شخصیت ویکلیف گواهی است بر قدرت آموزنده و دگرگون‌ساز کتاب مقدس. این کتاب مقدس بود که او را به آنچه بود تبدیل کرد. تلاش برای درک حقایق عظیم وحی، تازگی و نیرو به همه قوای انسان می‌بخشد. ذهن را می‌گستراند، ادراکات را تیزتر می‌کند و قضاوت را پخته می‌سازد. مطالعه کتاب مقدس به هر اندیشه، احساس و آرزو اعتلا می‌بخشد، چنان‌که هیچ مطالعه دیگری نمی‌تواند. به هدف ثبات می‌دهد، صبر، شجاعت و استقامت می‌بخشد؛ منش را صیقل می‌دهد و جان را تقدیس می‌کند. مطالعه‌ای جدی و با حرمت کتاب مقدس، که ذهن دانش‌پژوه را با عقل نامتناهی در تماس مستقیم قرار می‌دهد، به جهان انسان‌هایی با خردی نیرومندتر و فعال‌تر، و نیز با اصولی شریف‌تر، می‌بخشید؛ برتر از هر آنچه تاکنون از کارآمدترین آموزش‌هایی که فلسفه بشری عرضه کرده، حاصل شده است. مزمورنویس می‌گوید: «ورود کلام تو نور می‌بخشد؛ فهم عطا می‌کند.» مزمور ۱۱۹:۱۳۰. مناقشه بزرگ، ۹۳، ۹۴.

در پی گزارشی که در «مناقشه بزرگ» درباره جان ویکلیف آمده است، خواهر وایت فهرستی از اصلاح‌گران وفادار (نشانه‌های راه) ارائه می‌کند که در نهایت به اصلاح‌گر جان ناکس می‌رسد. او پرسش مهمی را که از سوی ماری، ملکه اسکاتلند، خطاب به جان ناکس مطرح شد، ذکر می‌کند.

جان ناکس از سنت‌ها و اسرارگرایی‌های کلیسا روی برتافتته بود تا از حقایق کلام خدا قوت بگیرد، و تعالیم و بشارت عزم او را برای گسستن پیوند خود با کلیسای روم و پیوستن به اصلاح‌گران مورد آزار و تعقیب استوارتر ساخته بود. ...

وقتی او را رو در رو با ملکه اسکاتلند قرار دادند، که در حضور او شور بسیاری از رهبران پروتستان فروکش کرده بود، جان ناکس بی‌تزلزل برای حقیقت شهادت داد. او با ملاطفت‌ها نرم نمی‌شد؛ از تهدیدها نیز نهراسید. ملکه او را به بدعت‌گذاری متهم کرد و گفت که او به مردم آموخته است دینی را که از سوی دولت ممنوع شده بود بپذیرند و بدین‌سان از فرمان خدا که رعایا را به اطاعت از پادشاهان‌شان وامی‌دارد سرپیچی کرده است. جان ناکس قاطعانه پاسخ داد: «همان‌گونه که دین راستین نه منشأ و نه اقتدار خود را از پادشاهان می‌گیرد، بلکه تنها از خدای جاودان، به همان قیاس رعایا موظف نیستند دین خود را بر حسب سلیقه پادشاهان‌شان سامان دهند. زیرا بسیار رخ می‌دهد که پادشاهان، بیش از همه دیگران، از دین حقیقی خدا ناآگاه‌ترین‌اند. اگر همه نسل ابراهیم بر دین فرعون می‌بودند - فرعونی که آنان دیرزمانی رعایای او بودند - عرض می‌کنم، بانو، چه دینی در جهان وجود می‌داشت؟ و اگر همه در روزگار رسولان بر دین امپراتوران روم بودند، عرض می‌کنم، بانو، اکنون چه دینی بر روی زمین وجود می‌داشت؟ ... و بدین‌سان، بانو، درمی‌یابید که رعایا به دین پادشاهان‌شان مقید نیستند، هرچند فرمان یافته‌اند که به آنان حرمت بگذارند.»

مریم گفت: «شما کتاب مقدس را به یک شیوه تفسیر می‌کنید و آن‌ها [معلمان رومی] آن را به شیوه‌ای دیگر تفسیر می‌کنند؛ من باید به چه کسی باور کنم، و چه کسی باید داور باشد؟»

«شما باید به خدا ایمان بیاورید، همان که در کلام خود به روشنی سخن می‌گوید»، مصلح پاسخ داد: «و فراتر از آنچه کلام به شما می‌آموزد، نه این را و نه آن را باور نکنید. کلام خدا در ذات خود روشن است، و اگر در جایی ابهامی باشد، روح‌القدس که هرگز با خود در تعارض نیست، همان را در جاهای دیگر روشن‌تر توضیح می‌دهد، به‌گونه‌ای که هیچ شکی باقی نمی‌ماند مگر برای آنان که سرسختانه در نادانی می‌مانند.» چنین بودند حقایقی که آن مصلح بی‌باک، به قیمت جان خود، به گوش پادشاه رساند. با همان شجاعت خلل‌ناپذیر بر هدف خود استوار ماند، دعا می‌کرد و نبردهای خداوند را می‌جنگید، تا آن‌که اسکاتلند از پاپ‌گرایی آزاد شد. جدال عظیم، ۲۵۰، ۲۵۱.

تعامل میان اصلاح‌گر و ملکه، محور سوم در تاریخ اصلاح دینی را برجسته می‌سازد؛ محوری که تلاش شیطان برای بدل‌سازی کتاب مقدس، اصلاح‌گران و روش‌شناسی مطالعه کتاب مقدس را شناسایی می‌کند. پاسخ جان به ملکه این بود که روش درست «تاریخ‌گرایی» است؛ روشی که بر این اصل استوار است که روح‌القدس یک خط از تاریخ نبوی را با خطی دیگر از تاریخ نبوی توضیح می‌دهد.

روشنایی در تاریکی پدیدار شده بود. ویکلیف و اصلاح‌گران نخستین، تا دوران میلاریتی‌ها، از روشی در مطالعه کتاب مقدس استفاده می‌کردند که «تاریخ‌گرایی» نامیده می‌شود. تاریخ روش کتاب مقدسی مطالعه کتاب مقدس غالباً نادیده گرفته می‌شود، اما اگر کسی بخواهد واقعاً اهمیت قواعد تفسیر نبوی را که میلر و پس از آن «فیوچر فور آمریکا» پذیرفتند دریابد، شناخت آن ضروری است.

خواهر وایت فقط دو کلیسا را به‌عنوان قوم نام‌گذاری شده خدا معرفی می‌کند: اسرائیل باستان و کلیسای آدونتیست روز هفتم.

"دلایلی که به‌خاطر آنها قوم خدا خوانده می‌شویم باید بارها و بارها تکرار شوند. تثیبه ۴:۱ تا ۱۳" انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۸، ۴۲۶.

کلیسای رسولان و کلیسای در بیابان در دوران تاریکی پاپی هرگز «قوم نام‌گذاری شده خدا» خوانده نشدند، زیرا این اصطلاح (به معنای نامیده شدن) نمایانگر کلیسایی است که مسئولیت امانت‌داری شریعت خدا به آن سپرده شده است، و با آدونتیسیم، آنان نیز می‌بایست امانت‌داران حقایق نبوی خدا باشند.

خدا در این روزگار کلیسای خود را، همان‌گونه که اسرائیل باستان را فراخواند، فراخوانده است تا چون نوری در جهان بایستد. به وسیله تیر نیرومند حقیقت، یعنی پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم، آنان را از کلیساها و از جهان جدا ساخته است تا ایشان را به نزدیکی مقدسی با خود بیاورد. او ایشان را امینان شریعت خود ساخته و حقایق عظیم نبوت برای این زمان را به آنان سپرده است. همان‌گونه که اقوال مقدس به اسرائیل باستان سپرده شده بود، این‌ها نیز امانتی مقدس‌اند که باید به جهان ابلاغ شوند. سه فرشته مکاشفه ۱۴ نمایانگر مردمی هستند که نور پیام‌های خدا را می‌پذیرند و به‌عنوان کارگزاران او بیرون می‌روند تا هشدار را در سراسر طول و عرض زمین طنین‌انداز کنند. گواهی‌ها، جلد ۵، ۴۵۵.

ویلیام میلر فرستاده برگزیده‌ای بود برای گشودن حقایق نبوی خدا، و هنگامی که آن حقایق مردمی را در سال ۱۸۴۴ به درگشوده قدس‌الاقداص رهنمون ساخت، آنگاه خدا شریعت خود را آشکار ساخت. وایکلیف نشانه راهی است در گشودن کتاب مقدس و زمینه‌سازی برای آغاز جنبش اصلاح پروتستانی، و او همچنین نشانه راهی از کار خدا برای استوار ساختن «حقایق عظیم نبوت» است. جان وایکلیف «ستاره صبحگاهی» شناخته‌شده در تاریخ حکومت هزار و دویست و شصت ساله پاپی بود. کار او در قرن چهاردهم آغاز شد، سپس در قرن هفدهم نشانه راه دیگری در آن خط نبوی، پدید آمدن ترجمه شاه جیمز از کتاب مقدس در سال ۱۶۱۱ بود. در همان خط، سرانجام به نشانه راه قواعد میلر برای تفسیر نبوت می‌رسیم. میلر در آن خط حقیقت نشانه راه است و قواعد او نیز چنین‌اند. قواعد او به نشانه راهی در پایان تاریخ ادونتیسیم شهادت می‌دهند که با انتشار «کلیدهای نبوی» نمایان می‌شود.

اگر درنیابیم که اصول میلر نشانه راهی در خط تاریخ نبوی بودند که نمایانگر کار حفظ متون اصلی و صحیح کتاب مقدس و نیز کار گشودن فهم راستین کتاب مقدس بود، کاری که اقتضا می‌کرد اصلاح‌گران هدایت شوند تا روش‌شناسی مقدس مطالعه‌ای را که «تاریخ‌گرایی» نام دارد بفهمند و به کار گیرند، اطلاعات لازم برای تشخیص حقایق نبوی مرتبط با کار ارائه و حفظ نور فرشته سوم در پایان ادونتیسیم را در اختیار نخواهیم داشت. از این رو، مهم است که مرور کوتاهی بر آن خط تاریخ داشته باشیم.

تنها تعریف اصیل واژه «پروتستان» اعتراض علیه رُم است. اگر کلیسایی دست از اعتراض علیه رُم بردارد، دیگر پروتستان نیست و در نتیجه به دختر رُم تبدیل می‌شود؛ همان‌گونه که پروتستان‌هایی که پیام فرشته نخست را رد کردند، چنین شدند. اصلی‌ترین فهمی که به «شعار» پروتستان‌هایی که از کلیسای کاتولیک بیرون آمدند بدل شد، این بود: «کتاب مقدس و تنها کتاب مقدس». با این حال، تاریخ گواهی می‌دهد که کتاب مقدس لازم بود به درستی تقسیم شود.

بکوش تا نزد خدا پسندیده باشی؛ کارگری که نیازی به شرمساری ندارد و کلام حقیقت را به درستی بیان می‌کند. اما از یاوه‌گویی‌های بی‌حرمت و پوچ دوری کن، زیرا موجب افزایش بی‌تقوایی می‌شوند. دوم تیموتائوس ۱:۱۵، ۱۶.

روش مطالعه کتاب مقدس که پروتستان‌ها در تلاش‌شان برای به درستی تقسیم کردن کلام حقیقت به کار گرفتن آن هدایت شدند، «تاریخ‌گرایی» است. آن روش هدفی مشخص و جدی برای حمله شیطان بود، و او نیز به آن حمله کرد.

ما باید خودمان بدانیم که مسیحیت چیست، حقیقت چیست، ایمانی که دریافت کرده‌ایم چیست، قوانین کتاب مقدس کدام‌اند—قوانینی که از سوی عالی‌ترین مرجع به ما داده شده‌اند. مواد ۱۸۸۸، ۴۰۳.

تضعیف روش‌شناسی کتاب مقدسی مورد استفاده‌ی مصلحان، تا و از جمله ویلیام میلر، به‌طور مشخص به آغاز قرن پانزدهم و الهی‌دان یسوعی‌ای به نام فرانسیسکو ریبرا (۱۵۳۷-۱۵۹۱) نسبت داده

می‌شود؛ کسی که او را بانی رواج تفسیر آینده‌گرایانه می‌دانند. او بر کتاب مکاشفه تفسیری نوشت که خوانشی آینده‌گرایانه از نبوت‌ها پیشنهاد می‌کرد و آن‌ها را از بستر تاریخی‌شان دور می‌ساخت. روبرو این روش‌شناسی را به قصد مقاومت در برابر آن حقیقتی ابداع کرد که روش‌شناسی تاریخ‌گرایی همواره به آن منتهی می‌شد. آن حقیقت این بود که پاپ روم ضد مسیح نبوت‌های کتاب مقدس است.

در قرن‌های هفدهم و هجدهم اسناد تاریخی نشان می‌دهد که پروتستان‌ها می‌دانستند که روش باطل روبرو شیطانی و بی‌پایه است. پروتستان‌های آن دوره کتاب‌ها و رساله‌هایی در مخالفت با «یاوه‌گویی‌های ناپاک و پوچ» آن عالم یسوعی نوشتند. اما در سال ۱۹۰۹، اسب تروا، «کتاب مقدس مرجع اسکوفیلد» منتشر شد و ارجاعات درج‌شده در پانوشته‌های کتاب مقدس بر تعالیم روبرو و یک یسوعی دیگر به نام مانوئل لاکونزا (۱۷۳۱-۱۸۰۱) استوار بود. لاکونزا با نام مستعار «خوان یوسافات بن‌عزرا» می‌نوشت و کتابی با عنوان «ظهور مسیح در جلال و عظمت» منتشر کرد. همانند روبرو پیش از او، این کتاب حمله‌ای مستقیم به تحقق نبوت‌های کتاب مکاشفه بود.

شیطان می‌دانست پیامی که باید آن را در هاله‌ای از سردرگمی بپوشاند، همان پیام هشدار نهایی است که از کتاب مکاشفه می‌آید. گنجاندن یاوه‌گویی‌های بی‌حرمتی‌آمیز و پوچ دو کشیش یسوعی در ارجاعات کتاب مقدس مرجع اسکوفیلد به شیطان امکان داد پروتستان‌های مرتد را به پذیرش روش‌های یسوعی سوق دهد و بدین‌سان آنان را از حقیقت کور سازد. شیطان این را با معرفی چندین الگوی نبوی کاتولیکی محقق کرد که امکان شناسایی روشن این که ضد مسیح نبوت‌های کتاب مقدس کیست را از میان برد. این فریب برای شیطان دشوار نبود، زیرا پروتستان‌ها با رد پیام میلر در سال ۱۸۴۳، از پیش به کلیسای کاتولیک رومی بازگشته بودند.

در طول سال‌ها چندین کتاب و مقاله منتشر شده که حمله شیطان به کتاب مقدس را، که در چند قرن نخست پس از مصلوب شدن مسیح آغاز شد، مستند می‌کنند. آن حمله به نقطه‌ای رسید که برای تولید کتاب‌های مقدس جعلی، نسخه‌های خطی جعلی را وارد کردند. شیطان همچنین به اصلاح‌گرانی که برای پاسداری از کلام خدا برانگیخته شده بودند، هم در دوران حیات‌شان و حتی پس از مرگ‌شان حمله کرد.

فقط در نظر بگیرید که مورخان و الهی‌دانان معاصر کلیسای ادونتیست روز هفتم با موضوع ویلیام میلر چگونه برخورد می‌کنند. گویی استخوان‌هایش را از گور بیرون کشیده و به رودخانه می‌سی‌سی‌پی انداخته‌اند.

«ویلیام میلر سلطنت شیطان را برهم می‌زد، و دشمن قسم‌خورده نه تنها در پی خنثی کردن اثر پیام بود، بلکه می‌خواست خود پیام‌آور را نابود کند. چون پدر میلر حقیقت کتاب مقدس را به‌طور عملی بر دل‌های شنوندگانش می‌نشانده، خشم مدعیان مسیحیت علیه او شعله‌ور شد، همان‌گونه که خشم یهودیان بر ضد مسیح و رسولانش برانگیخته شد. اعضای کلیسا طبقات فرومایه را تحریک کردند، و دشمنان در چندین نوبت نقشه کشیدند که هنگام خروج او از محل اجتماع جان‌ش را بگیرند. اما فرشتگان مقدس در انبوه جمعیت بودند، و یکی از ایشان به صورت انسانی بازوی این خادم خداوند را گرفت و او را به سلامت از میان جمعیت خشمگین بیرون برد. کار او هنوز به پایان نرسیده بود، و شیطان و عواملش در مقصود خود ناکام ماندند.» روح نبوت، جلد ۴، ۲۱۹.

ببینید چگونه همان دو دسته در ادونتیسم (الهی‌دانان و تاریخ‌دانان) اعتبار قواعد میلر را کم‌اهمیت جلوه داده و بر آن سرپوش گذاشته‌اند؛ قواعدی که خواهر وایت به ما اطلاع می‌دهد که همه کسانی که واقعاً پیام‌های سه فرشته را اعلام می‌کنند آن‌ها را به کار خواهند بست.

کسانی که به اعلام پیام فرشته سوم مشغول‌اند، به همان روشی که پدر میلر اتخاذ کرده بود، در کتاب مقدس به جست‌وجو می‌پردازند. در کتابچه‌ای با عنوان «دیدگاه‌هایی درباره پیشگویی‌ها و

گاه‌شماری پیامبرانه»، پدر میلر قواعد ساده اما خردمندانه و مهم زیر را برای مطالعه و تفسیر کتاب مقدس می‌آورد:

[قوانین یک تا پنج نقل قول شده‌اند.]

آنچه در بالا آمد، بخشی از این قواعد است؛ و در مطالعه کتاب مقدس، شایسته است همگی به اصول بیان‌شده توجه کنیم. ریویو و هرالده، ۲۵ نوامبر ۱۸۸۴.

بدون مرور سه رشته از خط سیر تاریخ نبوتی مرتبط با شکل‌گیری و تثبیت کلام خدا، درک اهمیت شهادتی بزرگ که ویلیام میلر را به‌عنوان فرستاده‌ای تأیید می‌کند که در ارائه پیام، ایلیا نمونه او بود، و همچون موسی در وعده برانگیخته‌شدن میلر در رستاخیز عادلان، و همچون الیشع در آمادگی‌اش برای ترک مزرعه و خدمت به پیام ایلیا، ناممکن است. خواهر وایت هر سه این قهرمانان کتاب مقدسی را نمادهای ویلیام میلر می‌شمارد، در حالی که او امروزه از سوی الهی‌دانان و تاریخ‌نگاران ادونتئیست معاصر چنان تلقی می‌شود که گویی صرفاً یک «پسر کشاورز فقیر» از قرن هجدهم بوده است.

ویلیام تیندیل یکی از مصلحان بسیاری بود که در این مسیر تاریخی مرتبط با پیشگویی‌ها برانگیخته شدند. اگر بخواهم این‌گونه بگویم، «بیانیه مأموریت» او در برابر نمایندگان پاپ که با آنان روبه‌رو می‌شد این بود: «کاری خواهم کرد که پسری که گاواهن می‌راند، کتاب مقدس را از شما بیشتر بداند.» ویلیام میلر همان پسر روستایی بود که گاواهن می‌راند و پیشگویی تیندیل را تحقق بخشید.

این مقدمه، از نظر پرداختن به تمام پیشینه تاریخی‌ای که می‌توانست در تأیید آنچه تاکنون ارائه کرده‌ایم به کار آید، به طرز چشمگیری ساده‌سازی شده است. اکنون برخی نشانه‌های آلفا و امگا را بررسی می‌کنیم تا بحث را به بررسی میلر به‌عنوان نشانه راه و پیام‌آور بازگردانیم.

کتاب دانیال آغاز کتابی است که از دو کتاب تشکیل شده است. پایان آن کتاب، کتاب مکاشفه است. هرچند دو کتاب متمایز هستند، در کنار هم یک کتاب را تشکیل می‌دهند.

سال‌ها پیش، من تعاملی علنی با یک الهی‌دان شناخته‌شده ادونتئیست روز هفتم داشتم که در مؤسسه پژوهش‌های کتاب مقدسی کنفرانس عمومی کلیسای ادونتئیست‌های روز هفتم کار می‌کرد. آن الهی‌دان می‌کوشید برداشت مرا از شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال، و نیز از «دائمی» در کتاب دانیال، اصلاح کند. تعامل ما طی مدتی ادامه یافت؛ به این ترتیب که او مقاله‌ای می‌نوشت، من پاسخ می‌دادم، او دوباره پاسخ می‌داد، و من هم طبعاً دیدگاه‌های خود را باز می‌فرستادم، و همین‌طور ادامه داشت. در جریان این تعامل به من گفت که در کمیته‌ای که در کنفرانس عمومی در آن کار می‌کرد، او را کارشناس کتاب دانیال می‌دانستند و یکی از همکارانش را کارشناس مقیم کتاب مکاشفه. او در تعاملات من نمی‌خواست به نکات مربوط به کتاب مکاشفه بپردازد و آن‌ها را به همکارش ارجاع می‌داد. او می‌خواست بحث را فقط در چارچوب کتاب دانیال نگه دارد.

خواهر وایت به‌صراحت می‌گوید که دانیال و مکاشفه یک کتاب‌اند. در آن سطح، آنها نماینده کتاب مقدس‌اند؛ کتابی یگانه که از دو کتاب تشکیل شده: عهد قدیم و عهد جدید. خواهر وایت همچنین درباره نهاد دینی یهود می‌گوید که تنها عهد قدیم را همان کتاب واحد می‌دانند، و نیز درباره کسانی که عهد قدیم را نادیده می‌گیرند، زیرا فقط عهد جدید را می‌فهمند یا فقط مایل‌اند آن را بفهمند. شهادت الهام‌شده او این است که اگر فقط جدید را بپذیرید، آنگاه قدیم را رد کرده‌اید، و برعکس. اینکه الهی‌دانی ادعا کند در دانیال متخصص است اما در مکاشفه نه، تکرار همان اندیشه یهودی‌پذیرش صرف عهد قدیم است، و می‌دانیم آن دیدگاه محدود یهودیان را به کجا کشاند. گرفتن هر یک از این دو سویه—پذیرفتن قدیم و نپذیرفتن جدید، یا پذیرفتن جدید و نپذیرفتن قدیم—به معنای رد کردن کل شهادت است.

نجات‌دهنده از شاگردان خود پرسید آیا این چیزها را فهمیده‌اند. آنان پاسخ دادند: «بلی، ای خداوند.» آنگاه به ایشان گفت: «پس هر کاتبی که برای ملکوت آسمان تعلیم یافته است، مانند صاحب‌خانه‌ای است که از گنج خود چیزهای نو و کهنه بیرون می‌آورد.» در این مَثَل، عیسی مسئولیت کسانی را که کارشان این است نوری را که از او دریافت کرده‌اند به جهان برسانند، پیش روی شاگردانش نهاد. عهد عتیق همه کتاب مقدسی بود که آن زمان وجود داشت؛ اما نه فقط برای پیشینیان نوشته شده بود، بلکه برای همه دوران‌ها و همه مردم بود. عیسی می‌خواست معلمان تعالیم او با جدیت در عهد عتیق جست‌وجو کنند برای آن نوری که هویت او را به‌عنوان مسیح موعود پیشگویی‌شده ثابت می‌کند و ماهیت رسالت او را بر جهان آشکار می‌سازد. عهد عتیق و عهد جدید از هم جدایی‌ناپذیرند، زیرا هر دو تعالیم مسیح‌اند. آموزه یهودیانی که تنها عهد عتیق را می‌پذیرند، نجات‌بخش نیست، زیرا نجات‌دهنده‌ای را رد می‌کنند که زندگی و خدمتش تحقق شریعت و نبوت‌ها بود. و آموزه کسانی که عهد عتیق را کنار می‌گذارند نیز نجات‌بخش نیست، زیرا آنچه را که شهادتی مستقیم درباره مسیح است، رد می‌کنند. شکاکان از بی‌اعتبار شمردن عهد عتیق آغاز می‌کنند، و تنها یک گام دیگر لازم است تا اعتبار عهد جدید را نیز انکار کنند، و بدین‌سان هر دو رد می‌شوند.

یهودیان در نشان دادن اهمیت احکام، از جمله قانون الزام‌آور سبت، بر دنیای مسیحیت تأثیر اندکی دارند، زیرا هنگام عرضه کردن گنجینه‌های کهن حقیقت، امور نوینی را که در تعالیم شخصی عیسی است، کنار می‌گذارند. از سوی دیگر، قوی‌ترین دلیل این‌که مسیحیان در اثرگذاری بر یهودیان برای پذیرش تعالیم مسیح به‌عنوان زبان حکمت الهی ناکام می‌مانند، این است که هنگام عرضه کردن گنجینه‌های کلام او، گنجینه‌های عهد عتیق را که همان تعالیم پیشین پسر خدا از طریق موسی هستند، با تحقیر می‌نگرند. آنان شریعتی را که از سینا اعلام شد، و سبت فرمان چهارم را که در باغ عدن مقرر گردید، رد می‌کنند. اما خادم انجیل که از تعالیم مسیح پیروی می‌کند، شناختی ژرف از هر دو عهد عتیق و عهد جدید به‌دست خواهد آورد تا بتواند آنها را در نور حقیقی‌شان، به‌صورت کلیتی جدایی‌ناپذیر، به مردم عرضه کند؛ به‌گونه‌ای که هر یک متکی بر دیگری و روشنگر دیگری باشد. بدین‌سان، همان‌گونه که عیسی شاگردان خود را تعلیم داد، آنان از گنجینه خود «چیزهای نو و کهنه» بیرون خواهند آورد. روح نبوت، جلد ۲، صفحه ۲۵۵.

پند پیشین کاربرد دیگری برای ادونتیس‌های لاودیکه دارد. این‌که کسی ادعا کند به تمام کتاب مقدس، هم عهد عتیق و هم عهد جدید، ایمان دارد اما روح نبوت را رد کند، دقیقاً همان ورطه پذیرفتن تنها یک شهادت است. برای اثبات حقیقت، دو شاهد لازم است؛ پس با یک شاهد اثبات حقیقت غیرممکن است، و اگر کسی بکوشد چنین کند، هر دو شاهد را رد می‌کند و ایمان خود را بر آنچه «نیمه‌حقایق» نامیده می‌شود بنا می‌نهد.

اکنون پرسشی را تکرار می‌کنم که در یکی از نخستین مقاله‌هایی مطرح شده بود که از ژوئیه ۲۰۲۳ به بعد منتشر شده‌اند. پرسش این است: «از سال ۱۸۶۳ تاکنون چه نور تازه‌ای از دل ادونتیس‌م بیرون آمده است؟» پاسخ به‌سادگی این است: «هیچ.»

"کتاب‌های دانیال و مکاشفه یک‌اند. یکی نبوت است، دیگری مکاشفه؛ یکی کتابی مهر و موم‌شده، دیگری کتابی گشوده. یوحنا رازهایی را که رعد‌ها بیان کردند، شنید، اما به او فرمان داده شد که آن‌ها را ننویسد." تفسیر کتاب مقدس ادونتیس‌های روز هفتم، جلد ۷، ۹۷۱.

بنابراین، آلفا و امگا نشان می‌دهد که دانیال نخستین است و مکاشفه آخرین. دانیال نماد آغاز و مکاشفه نماد پایان ادونتیس‌م است.

کتاب مکاشفه کتابی مهر و موم‌شده است، اما در عین حال کتابی گشوده نیز هست. در آن رویدادهای شگفت‌آوری ثبت شده که قرار است در واپسین روزهای تاریخ این زمین رخ دهد.

تعالیم این کتاب روشن و قطعی‌اند، نه رازآلود و نامفهوم. در آن همان خط سیر نبوت پی گرفته می‌شود که در دانیال هست. خدا برخی از نبوت‌ها را تکرار کرده است و بدین‌سان نشان می‌دهد که باید به آنها اهمیت داده شود. خداوند چیزهایی را که اهمیت چندانی ندارند تکرار نمی‌کند. انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۹، ۸.

در آغاز ادونتیسیم، در همان آیاتی که ستون اصلی ادونتیسیم‌اند، آیاتی که در سال ۱۷۹۸ مَهرشان گشوده شد، عیسی خود را «پلمونی»، شمارنده شگفت‌انگیز، معرفی کرد. در پایان ادونتیسیم، عیسی خود را «آلفا و امگا»، زبان‌شناس شگفت‌انگیز، یعنی کلام خدا، معرفی می‌کند. به همین دلیل، آغاز ادونتیسیم و پیام فرشته اول بر زمان استوار بود. در پایان ادونتیسیم، پیام فرشته سوم بر کلام او استوار خواهد بود.

آغاز و پایان ادونتیسیم در تاریخ پادشاهی ششم نبوت‌های کتاب مقدس رخ می‌دهد، بنابراین در آغاز و پایان ایالات متحده روی می‌دهند. تاریخ نبوی ایالات متحده تاریخ دو شاخ جمهوریت و پروتستانتیسیم است. در پایان آن تاریخ، آن دو شاخ از بره به اژدها بدل خواهند شد. جمهوریت به دموکراسی بدل خواهد شد و پروتستانتیسیم به پروتستانتیسیم مرتد. هنگامی که جام زمان مهلت برای ایالات متحده به پایان خود نزدیک می‌شود، چنان‌که اکنون نیز در حال رخ دادن است، دو شاخ جمهوریت مرتد و پروتستانتیسیم مرتد تصویر وحش را پدید خواهند آورد و بدین‌سان کلیسا و دولت را در هم می‌آمیزند و آن را به یک شاخ واحد بدل می‌کنند که چون اژدها سخن می‌گوید. اما خدا بی‌گواه نخواهد ماند، زیرا در روند به پایان رساندن ایالات متحده، او شاخ حقیقی پروتستانتیسیم را برخواهد افراشت تا هم بر تصویر وحش در ایالات متحده اعتراض کند و سپس بر تصویر وحشی که تمام جهان را روبه‌رو می‌سازد اعتراض کند. برافراشتن شاخ پروتستانتیسیم در پایان ایالات متحده در همان ساختار تاریخی صورت خواهد گرفت که در آغاز ایالات متحده شاخ پروتستانتیسیم در آن برافراشته شد. قوم صاحب عهد پیشین کنار گذاشته خواهد شد و قوم تازه‌ای، قوم عهد نو خواهد شد. زیر آفتاب هیچ چیز تازه‌ای نیست.

هرگاه از نبوت‌های زمانی که در تاریخ جنبش میلری فهمیده و ارائه شده‌اند برای ارزیابی آلفا و امگا استفاده می‌کنیم، درمی‌یابیم که آن دو در حقیقت یکی‌اند. هر نبوت زمانی با تاریخی آغاز می‌شود که در آن نبوت اعلان می‌شود، و آن تاریخ همواره نمونه‌ای از تاریخی است که هنگام تحقق نبوت رخ می‌دهد.

تاریخ پیشگویی دو هزار و سیصد ساله با فرمان سوم در سال ۴۵۷ پیش از میلاد آغاز شد و با پیام فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ پایان یافت. در دوره‌ای که به صدور فرمان سوم منتهی می‌شد، اما پیش از صدور آن، کار برپایی هیکل و اورشلیم به انجام رسید. به همین نحو، در تاریخ منتهی به آمدن فرشته سوم، حقایق بنیادین هیکل پیروان میلری پی‌ریزی شدند.

در سال 1798، نبوت دوهزار و پانصد و بیست‌ساله‌ای که در 723 پیش از میلاد با پراکندگی ده سبط شمالی آغاز شده بود، تحقق یافت. آن نبوت دو دوره 1260 ساله را مشخص می‌کرد: نخست، پایمال شدن هیکل و اورشلیم ظاهری به دست روم بت‌پرست؛ و سپس 1260 سال دیگر که طی آن روم پاپی شهر و هیکل روحانی را لگدمال کرد. این نبوت با نابودی پادشاهی شمالی و پراکندگی ساکنان آن آغاز شد. نیمه این نبوت، در سال 538، پایان پایمال شدن قوم خدا به دست روم بت‌پرست—چهارمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس—را نشان می‌دهد و به پراکندگی کلیسای خدا به درون بیابان قرون تاریک می‌انجامد. پایان آن نبوت زمانی در 1798، پایان پادشاهی پنجم نبوت کتاب مقدس را رقم می‌زند. پراکنده شدن ده سبط شمالی، و نیز کلیسای مسیحی که به بیابان گریخت، نمایانگر گردآوری کسانی است که مقدر بود به شاخ پروتستانتیسیم بدل شوند. نشانه‌های راه اغلب با اضداد نمایانده

می‌شوند، و پراکندگی می‌تواند نماینده گردآوری باشد، همان‌گونه که ایلیا نماینده یحیی تعمیددهنده است. در همان رویارویی نبوی، ایلیا نمی‌میرد و یحیی تعمیددهنده می‌میرد.

در سال ۶۷۷ پیش از میلاد، سبط جنوبی یهودا (که در کتاب مقدس از آن با عنوان «سرزمین جلال» نیز یاد شده است) به مدت دو هزار و پانصد و بیست سال پراکنده ماند و این دوره در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ پایان یافت. آن نبوت پایمال شدن قوم خدا را مشخص می‌کرد؛ همان کسانی که دانیال در دانیال ۸:۱۳ و ۱۴ از آنان با عنوان «لشکر» یاد می‌کند.

آنگاه شنیدم که یکی از قدیسان سخن می‌گفت، و قدیسی دیگر به آن قدیسی که سخن می‌گفت، گفت: این رؤیا درباره قربانی دائمی و تعدی ویرانگر، برای سپردن هم قدس و هم سپاه به پایمال شدن، تا چه مدت خواهد بود؟ و او به من گفت: تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه قدس تطهیر خواهد شد. دانیال ۸:۱۳، ۱۴.

نبوت دوهزار و سیصد ساله که همزمان با نبوت دوهزار و پانصد و بیست ساله‌ای که در ۶۷۷ پیش از میلاد آغاز شده بود پایان یافت، بیانگر پایمال شدن مقدس‌گاه بود، چنان‌که در دانیال ۸:۱۳، ۱۴ آمده است. نبوت پراکندگی یهودا در ۶۷۷ پیش از میلاد با سه یورش از سوی نبوکدنصر پیش از آن رخ داد و آن نبوت با فرارسیدن پیام سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ پایان یافت.

دو نبوت دوهزار و پانصد و بیست ساله که به ترتیب در ۱۷۹۸ و ۱۸۴۴ پایان می‌یابند، چهل‌وشش سال ساخت شالوده معبد میلریتی را مشخص می‌کنند. موسی چهل‌وشش روز را صرف دریافت دستورالعمل‌های ساخت معبد کرد؛ بازسازی معبد هیروُدس در زمان مسیح چهل‌وشش سال به طول انجامید که پایانش در سال تعمید مسیح بود. پس از تعمید، او به مدت چهل روز به بیابان رفت و چون بازگشت، برای نخستین بار معبد را تطهیر کرد؛ و یهودیان خرده‌گیر خواستند بدانند با چه اختیاری چنین کاری کرده است.

و عید فصیح یهودیان نزدیک بود، و عیسی به اورشلیم رفت. و در هیکل کسانی را یافت که گاو و گوسفند و کیوتر می‌فروختند، و صرافان نشسته بودند. و چون تازیانه‌ای از ریسمان‌های باریک ساخت، همه را، با گوسفندان و گاوها، از هیکل بیرون راند؛ و پول صرافان را ریخت و میزها را واژگون کرد؛ و به آنان که کیوتر می‌فروختند گفت: این چیزها را از اینجا ببرید؛ خانه پدرم را بازار نکنید. و شاگردانش به یاد آوردند که نوشته شده است: غیرت خانه تو مرا بلعیده است. آنگاه یهودیان در پاسخ به او گفتند: چون این کارها را می‌کنی، چه آیتی به ما نشان می‌دهی؟ عیسی پاسخ داد و گفت: این هیکل را ویران کنید و من در سه روز آن را برپا خواهم کرد. آنگاه یهودیان گفتند: ساخت این هیکل چهل و شش سال به طول انجامیده؛ آیا تو آن را در سه روز برپا می‌کنی؟ اما او از هیکل بدن خود سخن می‌گفت. پس چون از مردگان برخاست، شاگردانش به یاد آوردند که این را به ایشان گفته بود؛ و به کتاب مقدس و سخنی که عیسی گفته بود ایمان آوردند. یوحنا ۲:۱۳-۲۲.

معبد میلریتی طی چهل‌وشش سال، از سال ۱۷۹۸ و در پایان نخستین نبوت دوهزار و پانصد و بیست ساله، برپا شد و چهل‌وشش سال بعد، با تحقق دومین نبوت دوهزار و پانصد و بیست ساله در سال ۱۸۴۴، به پایان رسید. آن چهل‌وشش سال با آمدن فرشته نخست آغاز شد و با آمدن فرشته سوم پایان یافت، زیرا مسیح گفت که معبد او در سه روز برافراشته خواهد شد. اگر مایل نیستید این حقایق را ببینید، علتش دو مشکل اصلی است، افزون بر مشکلاتی که ممکن است در دلی بی‌میل و تبدیل‌نیافته وجود داشته باشد. مشکل نخست این است که شما مایل نیستید به کلام نبوی با این دیدگاه که تاریخ تکرار می‌شود نزدیک شوید. شما تاریخ‌گرا نیستید. مشکل دیگر ناتوانی در به‌کارگیری واژه‌های نمادینی است که در درون کلام خدا به وسیله خود کلام خدا ثبت شده‌اند. آغازهای همه این

نبوت‌ها پایان را مشخص می‌کنند و همواره بسیار بیش از صرفاً تاریخ‌هایی که تکرار می‌شوند را نشان می‌دهند.

کتاب مقدس می‌گوید ما معبد روح‌القدس هستیم و معبد بدن از چهل‌وشش کروموزوم تشکیل شده است. دانشمندانی که آن چهل‌وشش کروموزوم را مطالعه می‌کنند به ما می‌گویند که بیست‌وسه کروموزوم مردانه و بیست‌وسه کروموزوم زنانه دور یک پروتئین پیچیده شده‌اند که به شکل صلیب است.

در دانیال دوازده سه پیشگویی زمانی مرتبط وجود دارد؛ نخستین آن‌ها به پراکندگی قدرت قوم مقدس اشاره می‌کند، امری که نمایانگر «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش است. پراکندگی قدرت قوم مقدس که در مورد آنان تحقق یافت، دو هزار و پانصد و بیست سال بود؛ با این حال، در دانیال دوازده تنها به نیمه پایانی آن دوره اشاره می‌شود. در آن، دانیال چنان تصویر می‌شود که مقصود آن اعلام را در نمی‌یابد.

و شنیدم مردی را که جامه کتان در بر داشت و بر آب‌های نهر بود، که چون دست راست و دست چپ خود را به سوی آسمان برافراشت، به آن که جاودانه زنده است سوگند یاد کرد که این مدت یک زمان و دو زمان و نیم‌زمان خواهد بود؛ و چون پراکندن قدرت قوم مقدس به انجام رسد، همه این امور پایان خواهد پذیرفت. و شنیدم، اما در نیافتم؛ پس گفتم: ای سرورم، پایان این امور چه خواهد بود؟ دانیال ۱۲:۷، ۸.

باب دوازدهم دانیال پیامی را به تصویر می‌کشد که در وقت انتها مَهرشکسته می‌شود؛ و آن وقت، سال ۱۷۹۸ بود. در این بخش، دانیال نمایانگر ویلیام میلر است، نماد اصلی دانیان در آن تاریخ. میلر نخست به نبوت دوهزار و پانصد و بیست ساله کتاب لایوان، باب بیست‌وششم، هدایت شد و در آیات هفت و هشت او نماینده دانیانی است که باید این حقیقت را بپذیرند که پراکندگی ۲۵۲۰ ساله بی‌تردید به‌عنوان پراکندگی‌ای که خدا بر قوم خود آورده است شناخته می‌شود.

و اگر با همه این‌ها باز هم به من گوش فرا ندهید، آنگاه به سبب گناهانتان شما را هفت برابر بیشتر مجازات خواهم کرد. و غرور قدرتتان را در هم خواهم شکست؛ و آسمان شما را مانند آهن، و زمینتان را مانند مس خواهم ساخت. لایوان ۲۶:۱۸، ۱۹.

«غرور» اسرائیل باستان زمانی بود که به آنان اجازه داده شد خدا را به‌عنوان پادشاه خود رد کنند و پادشاهی انسانی برگزینند. غرورشان، که مانع سقوط می‌شود (امثال ۱۶:۱۸)، همان میلشان بود که مانند همه پادشاهی‌های بت‌پرست پیرامونشان باشند. برچیده شدن نخست پادشاهی شمالی و سپس پادشاهی جنوبی، به‌ترتیب در سال‌های ۷۲۳ و ۶۷۷ پیش از میلاد، همان پراکندگی قدرت (پادشاه) بود.

میلر نماینده خردمندانی بود که افزونی معرفتی را که در آیات پیشین باب دوازدهم دانیال مهر از آن برداشته شده بود، می‌فهمیدند، و در آیات هفت و هشت نیز او به‌صورت کسی ترسیم می‌شود که پیوند هزار و دویست و شصت سال را با دو هزار و پانصد و بیست سال پراکندگی قوم خدا درک نمی‌کند. دانیال در پایان ادونتیسیم نماینده قوم خداست، همان‌گونه که میلر در آغاز ادونتیسیم چنین است. در پایان ادونتیسیم همان معضل وجود دارد، زیرا ادونتیسیم برداشت میلر از «هفت زمان» را کنار گذاشت و ناگزیر شد تنها هزار و دویست و شصت سال را به‌عنوان عصر تاریک شناسایی کند. خردمندان در پایان، چنان‌که دانیال و میلر نشان می‌دهند، مسئله‌ای مشابه برای حل‌وفصل داشتند. چرا اصطلاحات باب بیست‌وششم لایوان برای نشان دادن سه‌ونیم زمان به‌جای هفت زمان به کار گرفته شده است؟

میلر هرگز این معضل را به طور کامل حل نکرد، اما در سال ۱۸۵۶ آخرین «نور نبوتی جدید» در قالب مجموعه‌ای از شش مقاله ارائه شد که هرگز به پایان نرسید و در آن، «هفت زمان» به عنوان نمایانگر سه‌ونیم سال پایمال کردن اسرائیل جسمانی خدا به دست روم بت‌پرست، و سپس سه‌ونیم سال پایمال کردن اسرائیل روحانی به دست روم پاپی معرفی می‌شد. هفت سال بعد، ادونتیسیم تمام نور «هفت زمان» را یکسره رد کرد و بدین‌سان این معضل را برای خردمندان در زمان پایان در سال ۱۹۸۹ فراهم آورد؛ زمانی که، همان‌گونه که در دانیال فصل یازده، آیهٔ چهل توصیف شده، کشورهای که نمایانگر اتحاد جماهیر شوروی سابق بودند، به دست پاپاوی و ایالات متحده از میان برداشته شدند.

اولین نوری که به میلر داده شد در سال ۱۸۶۳ رد شد، و آخرین نور در این موضوع توسط هایرام ادسون در آن شش مقاله ارائه گردید. انتشار آن مقالات متوقف شد و هفت سال (هفت زمان) بعد، اقتدار اسرائیل معاصر را کنار گذاشتند تا از کلیساهای بت‌پرستی تقلید کنند که چند سال پیش به درستی به عنوان دختران بابل شناسایی شده بودند. هفت زمان لایوان باب بیست‌وشش به عنوان آموزه‌ای نبوی به سنگ لغزش بدل شد، و غرور اسرائیل باستان، چنان‌که در خواستشان برای اینکه شائول به عنوان پادشاه بر آنان حکومت کند نمایان شده بود، تکرار شد. عیسی پایان را با آغاز نمایان می‌کند.

کتاب دانیال همچنین یک نبوت هزار و دویست و نود ساله را، به همراه یک نبوت هزار و سیصد و سی و پنج ساله، مشخص می‌کند که هر دو با برکنده شدن «دائمی» در سال ۵۰۸ آغاز می‌شوند. برداشته شدن «دائمی» نمایانگر کنار رفتن مقاومت روم بت‌پرست در برابر برآمدن قدرت پاپی در ۵۳۸ است. پیش از آنکه قدرت پاپی در ۵۳۸ بر تخت زمین نشاندن شود، یک دوره گذار سی‌ساله وجود داشت؛ سپس هزار و دویست و شصت سال باقی‌مانده در ۱۷۹۸ پایان می‌یابد. این سی سال گذار از یک پادشاهی به پادشاهی بعدی، سال‌های پایانی حکومت پاپی را نشان می‌دهد که به قرار گرفتن پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس بر تخت زمین در ۱۷۹۸ می‌انجامد. آغاز نبوت هزار و دویست و نود ساله، گذار از یک پادشاهی نبوت کتاب مقدس به پادشاهی بعدی نبوت کتاب مقدس را نشان می‌دهد؛ همان‌گونه که پایان آن نبوت نیز چنین می‌کند.

پیشگویی هزار و سیصد و سی‌وپنج‌ساله‌ای که با برجیده شدن «daily» «daily» در سال ۵۰۸ آغاز شد، در سال ۱۸۴۳ به پایان می‌رسد.

و از زمانی که قربانی دائمی برداشته شود و مکروه ویرانگر برپا شود، هزار و دویست و نود روز خواهد بود. خوشا به حال کسی که انتظار بکشد و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد. دانیال ۱۲:۱۱، ۱۲.

پیشگویی هزار و سیصد و سی‌وپنج‌ساله در سال ۱۸۴۳ به پایان رسید، و دانیال می‌گوید کسانی که «منتظر ماندند» تا آن پیشگویی به انجام برسد، مبارک خواهند بود. خواهر وایت این‌گونه می‌گوید.

خوشا به حال چشم‌هایی که آنچه را در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ به چشم آمد، دیدند.

پیام داده شد. و نباید هیچ درنگی در تکرار پیام باشد، زیرا نشانه‌های زمان در حال تحقق‌اند؛ کار پایانی باید انجام شود. کاری عظیم در زمانی کوتاه انجام خواهد شد. به زودی پیامی به تعیین الهی داده خواهد شد که به فریادی بلند تبدیل خواهد شد. آنگاه دانیال در نصیب خود خواهد ایستاد تا شهادت خود را بدهد. Manuscript Releases، جلد ۲۱، صفحه ۴۳۷.

بنابراین، آغاز پیشگویی هزار و سیصد و سی‌وپنج‌ساله، نشان‌دهنده گذار از آیین بت‌پرستی به آیین پاپی‌گری است و بدین‌سان گذار از پروتستانتیسم به پروتستانتیسم میلری را نیز نشان می‌دهد.

آن دسته از ادونتیست‌هایی که حقایق بنیادین ادونتیسیم را رد می‌کنند، همه پیشگویی‌های زمانی‌ای را که میلی‌ها ارائه کردند رد می‌کنند، حتی دو هزار و سیصد سال دانیال ۸:۱۴. چه‌بسا این واقعیت را انکار کنند، اما می‌توان به‌طور منطقی نشان داد که این واقعیت درست است، ولی اکنون نکته‌ام چیز دیگری است، پس فعلاً از آن می‌گذرم تا بکوشیم این مقاله را به جمع‌بندی برسانیم.

پراکندگی «سرزمین مجید» یهودا در سال ۶۷۷ پیش از میلاد نمایانگر پایمال شدن «لشکر» در دانیال ۸:۱۳ و ۱۴ است و به استقرار سرزمین مجید امروزی، ایالات متحده، اشاره دارد. دو هزار و سیصد سال مذکور در همان آیات در سال ۴۵۷ پیش از میلاد آغاز شد و نمایانگر پایمال شدن «قدسگاه» است.

آنگاه شنیدم که یکی از قدیسان سخن می‌گفت، و قدیسی دیگر به آن قدیسی که سخن می‌گفت، گفت: این رؤیا درباره قربانی دائمی و تعدی ویرانگر، برای سپردن هم قدس و هم سپاه به پایمال شدن، تا چه مدت خواهد بود؟ و او به من گفت: تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه قدس تطهیر خواهد شد. دانیال ۸:۱۳، ۱۴.

۶۷۷ پیش از میلاد و ۴۵۷ پیش از میلاد تاریخ‌هایی هستند که با رابطه قوم خدا و مقدسگاه خدا پیوند دارند. خدا در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، هم‌زمان، هر دو، یعنی لشکر و مقدسگاه را، دوباره با هم گرد آورد. فاصله دویست و بیست ساله میان ۶۷۷ پیش از میلاد و ۴۵۷ پیش از میلاد نماد دوره‌ای است که در آن خدا نشانه راهی را برپا می‌کند که نمایانگر افزایش نور است. در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نور فرشته سوم رسید، نور مقدسگاه آغاز به درخشیدن کرد و لشکری حاضر بود تا آن نور را اعلام کند.

در آن خط نبوتی که نبرد سه‌گانه میان شیطان و مسیح را مشخص می‌کند، کتاب مقدس به ترجمه کینگ جیمز در سال ۱۶۱۱ منتشر شد. دقیقاً دویست و بیست سال بعد، در سال ۱۸۳۱، ویلیام میلر برای نخستین بار پیام خود را منتشر کرد:

"به مدت نه سال، ویلیام میلر یقین داشت که باید پیام خود را به کلیساها برساند؛ اما منتظر ماند، به امید آن‌که مرجع معتبری خبر خوش آمدن قریب‌الوقوع نجات‌دهنده را اعلام کند. با این انتظار، او تنها حقیقت آن پیام را ثابت کرد؛ نامشان این بود که زنده‌اند، اما به سرعت به سوی مرگ می‌رفتند. در سال ۱۸۳۱، میلر نخستین سخنرانی خود را درباره نبوت‌ها ایراد کرد." استیون هسکل، غیب‌بین پاتموس، ۷۷.

خدا از متون اصلی مقدس و درست که برای تدوین کتاب مقدس به‌کار گرفته شدند، محافظت کرد. سپس در سال ۱۶۱۱ کتاب مقدس خود را پدید آورد. سپس پیام‌آوری را برانگیخت تا با به‌کارگیری قواعدی که در درون کتاب مقدس یافت می‌شوند و از آن مشتق و در آن تثبیت شده‌اند، پیام فرشته اول را ابلاغ کند. در سال ۱۸۳۱، پیام میلر رسمیت یافت، همان‌گونه که پیام در تاریخ مسیح به‌دست یحیی تعمیددهنده رسمیت یافت، و همان‌گونه که پیام در هر جنبش اصلاحی رسمیت یافته است. پیام میلر، یعنی پیام فرشته اول که گشایش داوری را اعلام می‌کند، مستقیماً با به‌کارگیری دوره زمانی نبوی دویست و بیست ساله تأیید می‌شود. این پیام هشدار در آغاز پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس—ایالات متحده—بود.

در سال ۱۹۹۶، خدمت «فیوچر فور آمریکا» آغاز شد و پیام فرشته سوم که در سال ۱۹۸۹ مهرش گشوده شده بود، یعنی پیامی که التیام زخم مهلک نظام پاپی و نزدیک‌بودن قانون یکشنبه را مشخص می‌کرد، در مجله‌ای با عنوان «زمان انتها» منتشر شد. پیام مربوط به پایان ادونتیسیم، همان‌گونه که پیام در آغاز صورت‌بندی شده بود، صورت‌بندی شده بود. در آغاز، پیام بر محور زمان استوار بود و نمایانگر پیشرفت بیشتر حقایق مندرج در کلام خدا بود. در سال ۱۹۹۶، دویست و بیست سال پس از تولد ایالات متحده در سال ۱۷۷۶، پیام مربوط به پایان ادونتیسیم صورت‌بندی شد و نمایانگر پیشرفت بیشتر در پیام‌های سه فرشته بود.

هنگامی که به تاریخ موازی شاخ جمهوری خواه و شاخ پروتستان در تاریخ پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس می پردازیم، باید دانست که شاخ پروتستان کیست و کیست نیست.

بکوش تا نزد خدا پسندیده باشی؛ کارگری که نیازی به شرمساری ندارد و کلام حقیقت را به درستی بیان می کند. اما از یاوه گویی های بی حرمت و پوچ دوری کن، زیرا موجب افزایش بی تقوایی می شوند. دوم تیموتائوس ۱:۱۵، ۱۶.